

قدرت اجتماعی (۲ از ۵)

قدرت وجه **عینی** و **محسوس** سیاست و جنبه الزام‌آور آن است، در **گذشته**، هرگز قدرت، مسئله اول و اصلی سیاست نبوده است. بلکه **وسیله** و ابزاری برای تحقق اهداف و فضیلت‌های اخلاقی قلمداد می‌شده است.

تلقی عمده فرهنگ‌ها و جوامع بشری از سیاست و **قدرت** این گونه بود و البته سیاستمداران و قدرتمندان نیز حداقل در **ظاهر**، ناگزیر از توجه به چنین معنایی از سیاست و **قدرت** بودند.

رواج سیاست‌نامه‌نویسی و **سیاست‌نامه‌ها** که مجموعه نصیحت‌هایی برای ملوک و پادشاهان بود، شاهد این واقعیت است.

در **قرون اخیر** و عمدتاً در اندیشه و عمل جهان مدرن، **خود قدرت** صرف‌نظر از این‌که وسیله تحقق **اهداف** و غایات اخلاقی باشد، **مستقلاً** دارای اهمیت شده است.

قدرت به مسئله **اصلی** سیاست و **جوهر** آن تبدیل شده است و در این میان، **برخی** همه سیاست را قدرت می‌دانند و **برخی** بخش عمده‌ای از آن را قدرت می‌پندارند.

سیاست با غایت و **هدف** سعادت و فضیلت، **داوری** نمی‌شود، بلکه بیشتر با آرمان پیروزی، موفقیت و تسلط **ارزیابی** می‌گردد.

در همه فرهنگ‌ها، میل به قدرت برای **خود قدرت**، از میل به قدرت برای **اعمال خیر** تفکیک می‌شود. در طول تاریخ جست‌وجو و تکاپو برای **دستیابی** به قدرت افزایش یافته است. در **گذشته** بیشتر مردم دستیابی به قدرت را از اهداف خود نمی‌دیدند؛ ولی **امروزه** تعداد زیادی از افراد و گروه‌ها خواهان آن هستند.

در **گذشته**، سیاست و نهاد حکومت یکی گرفته می‌شد، ولی **امروزه**، سیاست را با هیچ مقوله **عینی** و **محسوسی** یکی نمی‌گیرند.

سیاست در کل جامعه و همه اجزای آن وجود دارد. سیاست، **مجموعه** روش‌هایی است که هر واحد اجتماعی برای تحقق **اهداف جمعی** به کار می‌گیرد. سیاست، قدرت محقق کردن **اهداف** یک نظام اجتماعی به شیوه کارآمد و مؤثر است

ویژگی های قدرت : ۱- قدرت، ضمانت اجرای هر گونه عمل جمعی است.

۲- **قدرت، آمریت** (فرماندهی و فرمان‌بری) نهادینه شده در جامعه است که هر موقع در جامعه از کار بیفتند، از **زور** استفاده می‌شود.

۳- **قدرت از سطح خرد تا کلان منتشر است.** در صورت فقدان آن، **بقای** جامعه با خطر جدی مواجه می‌شود.

۴- **قدرت پشت سر تمام نقش‌ها و روابط نقشی وجود دارد و در همه قسمت‌های جامعه جاری است.**

۵- هرکس **قدرت بیشتری دارد عمل جمعی** بیشتری انجام می‌دهد.

موجودی که بتواند کاری را با **آگاهی و اراده** خود انجام دهد، دارای **قدرت** است.

به همین دلیل، انسان کنشگری قدرتمند است. اما **قدرت فردی** انسان، محدود است. انسان نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهایش، به کمک **دیگران** احتیاج دارد. **قدرت اجتماعی** هنگامی پیدا می‌شود که انسان برای رسیدن به **اهداف** خود، بتواند بر اراده دیگران اثر بگذارد و کار **ارادی** دیگران را به خدمت بگیرد. آنان که توان **تأثیرگذاری** بیشتری بر اراده دیگران دارند، **قدرت اجتماعی** بیشتری دارند.